

چرا ۲۱ تیر را روز حجاب و عفاف می نامند؟

سال ها قبل، در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ بغض ایرانیان از اختناق استبداد در شهر مشهد ترکید و تجمع کنندگان در مسجد گوهرشاد به جرم دفاع از حیثیت و عفت بانوان ایرانی به خاک و خون کشیده شدند.

وقتی رضاخان گام در مسیر قدرت گرفتن گذاشت، با پای پیاده همراه دسته جات عزاداری حرکت می کرد و در مجالس و تکیه ها حاضر می شد و خود را مقید به اصول مذهب نشان می داد. اما بعد از پا گرفتن قدرتش، همه تلاش خود را در راه زیر پا نهادن رسوم مذهبی به کار بست.

او که از پیشرفت های نظامی و اقتصادی غرب، زحمت و پشتکار و دانش اندوزی و اینار را درک نکرده و فقط ظواهر سطحی عامه مردم شهری را دیده بود، با این تصور که علت پیشرفت علمی و اقتصادی و نظامی اروپائیان، بی حجاب شدن زنانشان است، حکم به بی حجاب شدن زنان ایرانی داد. البته به گفته بسیاری از صاحب منصبان آن زمان، رضاخان به تنهایی هرگز قادر به درک تغییرات این چینی نبود و دانش و سواد ابتدایی درباره تاریخ و اجتماع نیز نداشت، اما بودند کسانی در اطراف او که با تکرار داستان های باستانگرایی و غرب پرستی، او را تشویق و تحریک به صدور دستورات دلخواه خود کنند.

این دستورات بیش از همه مفید به حال استعمارگران غربی بود و جریان وابسته و غربگرا و به اصطلاح روشن حاکم کم سواد و سطحی نگر، منویاتشان را بکار بندند.

تأثیر کشف حجاب و تغییر لباس بر اقتصاد کشور

تأثیر اقتصادی تغییر لباس و کشف حجاب، این بود که زمینه استفاده از لباس ها، لوازم آرایش و سایر فرآورده های ظاهر فریب سرمایه داری فراهم گردید؛ زیرا تا وقتی که مرد و زن ایرانی لباس سنتی خود را می پوشیدند، طبعا مناسب با آن زیور آلات مصرف می کردند و بیش تر لباس ها و زیور آلات نیز در داخل کشور تولید می شد و محتاج محصولات غربی نبودند. این موضوع، برای سرمایه داری غرب غیرقابل تحمل بود. از این رو، با تغییر لباس مردان و زنان به سبک اروپایی، ایرانیان مجبور شدند تولیدات آن ها را وارد کشور کرده، سپس تهیه و مصرف کنند. بدین ترتیب، کم کم صنایع داخلی از قبیل کارگاه های نساجی پارچه و شال و نمدمالی و عباپافی و... چون نمی توانستند با مدهای رنگارنگ پاریس و لندن و نیویورک مقابله و رقابت کنند، از بین رفتند و سرمایه های داخلی، به جای تولید، مجبور به واردات شده و سرمایه داران استعماری هم درآمدهای سرشاری را به جیب زدند.

لباس هر انسان پرچم کشور اوست.

لباس هر انسان، پرچم کشور وجود اوست؛ پرچمی است که او بر سر در خانه وجود خود نصب کرده و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ پیروی می کند. هم چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دل بسته باشد، لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را از تن به در نخواهد کرد.

پستی تعالی

حجاب

حجاب و عفاف یکی از محورهای زندگی قرآنی است



یادگار مادر

ویژه روز حجاب و عفاف

معاونت پژوهش مدرسه علمیه حضرت زینب (س)

شهرستان امیدیه - قایستان ۱۳۹۹

دو سه آیه قرآن به مسأله پوشش و حجاب بانوان اشاره کرده است: سوره نور (۲۴)، آیه ۳۱ و سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۳ و ۵۹. آیه ۵۹ سوره احزاب به نوع پوشش بانوان در بیرون و در مقابل نامحرمان به جلباب تعبیر آورده و می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است»

در مفهوم جلباب اختلاف نظر وجود دارد. آنچه، با توجه به کتب لغت و گفتار مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی و فیض کاشانی و اهل سنت مانند قرطبی صحیح تر به نظر می رسد، آن است که «جلباب» ملحفه و پوششی چادر مانند است نه روسری و خمار.

از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که منظور عبا است. پس جلباب لباس گشاد و پارچه ای است که همه بدن را می پوشاند. ضمناً همان طور که مفسران بزرگ مانند شیخ طوسی و طبرسی فرموده اند، در گذشته دو نوع روسری برای زنان معمول بود: روسری های کوچک که آن ها را «خِمار» یا «مقنعه» می نامیدند و معمولاً در خانه از آن استفاده می کردند؛ و روسری های بزرگ که مخصوص بیرون خانه به شمار می آمد. زنان با این روسری بزرگ که جلباب خوانده می شد و از «مقنعه» بزرگ تر و از «رداء» کوچک تر است و به چادر امروزی شباهت داشت، مو و تمام بدن خود را می پوشاندند.

داستان زیبا درباره حجاب:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از حضرت جبرئیل (علیه السلام) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود: بله. (یکی از آنجایی که فرشتگان می خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی می میرد، و بستگان او را در قبر می گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می خندند و می گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می کرد و به گناه می انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می پوشانند.

حدیثی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد درحالی که جامه های نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم (ص) روی خویش را از وی برگرداند و فرمود: ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود مگر از مچ دست به پایین و صورتش.

منابع

۱. <https://www.irinn.ir/>

۲. <https://www.beytoote.com/>

۳. در المنثور، ج ۵

